فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره چهارم، شماره ۲۹، پاییز ۱۳۹۹، صص ٤٧٦-٤٥٩
New Period 4, No 29, 2020, P 459-476
ISSN (2476-7018) شماره شاپا (۲٤٧٦-۷۰۱۸)

بررسی شاخصه‌های توسعهٔ اجتماعی از دیدگاه هیئت علمی

طاهره داورزنی
کارشناسی روابط عمومی و افکار سنجی، دانشگاه علمی کاربردی انقلاب واحد ۱۱، تهران، ایران
davar1352@yahoo.com

چکیده

از دهه‌های قبل صحبت توسعهٔ اجتماعی در محافل سیاسی و علمی ایران فراوان به گوش می رسید اما به توفیق آنچنانی نرسید. عوامل نرسیدن به توسعهٔ اجتماعی در ایران با فاکتورهای اجتماعی و فرهنگی متعددی در ارتباط هستند. در این تحقیق گفتمان‌های توسعهٔ اجتماعی از منظر اعضای هیأت علمی گروه‌های علوم اجتماعی دانشگاه های دولتی استان تهران بررسی شده است. روش تحقیق کیفی است که با استفاده از نظریهٔ مبنایی و از طریق مصاحبهٔ حضوری با این اساتید انجام شده است. همچنین برای انتخاب مصاحبه شوندگان از روش گلوله برفی استفاده شده است. بر همین اساس در این تحقیق ۲۰ مصاحبه به عمل آمد که در مجموع زمانی نزدیک به ۱۶ ساعت طول کشید. یافته‌های تحقیق بازگوی آن است که همهٔ مصاحبه شوندگان به اهمیت توسعهٔ اجتماعی در کشور اعتقاد دارند. آنها لازمهٔ رسیدن به توسعه را توجه جدی به حوزهٔ اجتماعی و ارتقاء سطح آگاهی و مشارکت واقعی شهروندان در فرایندها و برنامه‌های توسعه می‌دانند. از نظر مصاحبه شوندگان به دلایلی از جمله توسعه نیافتگی فرهنگی، پایین بودن سطح امنیت و اعتماد فردی و اجتماعی، فقدان جامعه مدنی، فاصلهٔ بین برنامه‌ها و واقعیت جامعه، بدبینی و شکاف بین مردم و دولت‌ها. . . جامعه هنوز نتوانسته است به توسعهٔ اجتماعی لازم دست پیدا کند. از منظر اطلاع‌رسان‌های این تحقیق رفع این موانع می‌تواندکشور را به توسعهٔ اجتماعی برساند در غیر این صورت جامعه در همین وضعیت فعلی درجا خواهد زد و تغییر چندانی نخواهد یافت.

واژه‌های کلیدی: توسعه، توسعه اجتماعی، اعضای هیئت علمی، گروه علوم اجتماعی.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

مقدمه

نظریه‌های اجتماعی مختلف به شیوه‌های متفاوت موضوع توسعهٔ اجتماعی را مد نظر قرارداده‌اند. دلیل‌این امر آن است که از یک طرف مفهوم توسعهٔ اجتماعی پیچیده و چند بعدی است و از طرف دیگر در علوم مختلف کاربردهای متفاوتی از آن به کاربرده شد. امروزه یکی از مهمترین رویکردها به توسعه‌این است که جوامع از نظر شاخصه‌های اجتماعی توسعه درچه مرتبه‌ای قرار دارند. شاخصه‌های اجتماعی مختلفی وجود دارد که از مهمترین آن‌ها می‌توان به امید به زندگی، نرخ مرگ و میر، میزان باسوادی، سطح درآمد، رشد اقتصادی و میزان رفاه اشاره کرد.

از زمان پیدایش علم جامعه شناسی و گرایش‌های مربوط به آن از جمله توسعه، رهیافت‌های متفاوتی در زمینهٔ توسعه مطرح شد. هرکدام ازاین رهیافت‌ها در دوره‌های مختلف و جوامع گوناگون به کارگرفته شده‌اند. درایران نیز از زمان پیدایش اولین جرقه‌های توسعه و نوسازی تا به امروز نگاه‌های مختلفی نسبت به آن شکل گرفته است. هر کدام ازاین نگاه‌ها به نوعی بهبود زندگی انسان‌ها را در نظر می‌گرفتند و هرکدام با نگاهی متفاوت مولفه‌های توسعهٔ اجتماعی، که در بالا ذکر شده‌اند، را مد نظر قرار می‌دادند. همیشه بین‌این شاخص‌ها ارتباط متقابل وجود داشته ولی امروزه با پیچیده‌تر شدن زندگی اجتماعی‌این همبستگی و ارتباط هم پیچیده‌تر شد. تنوع رویکردها و رهیافت توسعه نشانگراین ارتباط متقابل است زیرا زندگی اجتماعی به قدری دارای پیچیدگی است که با یک رویکرد فکری و از یک زاویه نمی‌توان آن را بررسی و مطالعه کرد. در نتیجه تنوع رویکردها نتیجهٔ تنوع نگاه‌ها به امر توسعهٔ اجتماعی و پیچیدگی‌این امر است. کاربرد همین نگاه‌های متفاوت باعث شده درایران در هر دوره‌ای به جنبه‌هایی از توسعه توجه شود و جنبه‌های دیگری نادیده گرفته شوند. در این زمینه می‌توان با نگاهی به سیاست‌های توسعه‌ای در دورهٔ قاجاربه، پهلوی و جمهوری اسلامی‌صحت‌این امر را متوجه شد. به طوری که می‌توان با بررسی زندگی اجتماعی هر دوره تفاوت در توجه به ابعاد توسعه و رویکردها را ملاحظه کرد.

در زمینهٔ توسعه و توسعهٔ اجتماعی می‌توان به دیدگاه‌های اساتید و هیأت علمی‌دانشگاه‌ها به عنوان نشر دهندگان اصلی علم و دانش توسعه در هر جامعه‌ای اشاره کرد. به طوری که اگر در جامعه دانشگاه‌های موفق و کارآمد و اساتید برجسته و صاحب نظر وجود داشته باشد توسعه و ترقی آن جامعه می‌تواند با سرعت و سهولت بیشتری به نتیجه برسد. سریع القلم در زمینه اهمیت علم در بحث توسعه معتقد است‌که «توسعه، فرهنگ علمی‌می‌طلبد. علم، زمینه برخورد سازمانی، استدلالی و منظم را با مشکلات و معضلات اجتماعی- اقتصادی فراهم می‌آورد. بنابراین در فرهنگ و آموزش اجتماعی مربوط به توسعه، برخورد علمی‌و مبنای علمی، زمینه ساز تحول دراندیشه‌ها، مکانیسم و روش‌ها است» (۱۳۹۱: ۱۸۵). با توجه به این نکات در این پژوهش هدف آن است که مفهوم توسعهٔ اجتماعی از منظر هیأت علمی‌و اساتید علوم اجتماعی دانشگاه‌های دولتی استان تهران مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. رفع موانع و مشکلاتی که در زمینهٔ توسعه درجامعهٔ ما وجود داردایجاب می‌کند که در این باره تحقیق و بررسی به عمل اید. البته

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

تلاش‌هایی در این باره صورت گرفته و تحقیقات و مطالعاتی انجام شده است که نشان دهنده اهمیت و ارزشی است که توسعهٔ اجتماعی در توسعه کلی کشور دارد. اما در این زمینه باید مطالعات بیشتر صورت گیرد تا ازاین طریق بتوان موانع ساختاری و ارزشی در دستیابی به توسعه و تعالی اجتماعی‌ایران را از سر راه برداشته و شرایط زندگی شایسته و سزاوار افرادراین مرز و بوم را فراهم کرد.

روش تحقیق

شیوهٔ انجام تحقیق

از آنجایی‌که پدیده‌های اجتماعی وانسانی موضوعاتی پیچیده‌ای هستند روش‌های تحقیق در مورد این پدیده‌ها نیز متنوع و متعددند. لذا پژوهشگر با توجه به ویژگی‌های خاص موضوع تحقیق لازم است تمامی روشها را در نظر بگیرد، جهت مثبت و منفی آن را بشناسد و سپس روش یا روش‌های مطلوب را برگزیند و آن‌ها را به کار گیرد. روش، در یک تحقیق علمی نقش اساسی دارد و ما را در نیل به حقیقت و گریز ازخطا یاری می‌دهد. دکارت روش را راهی می‌داندکه به منظور دستیابی به حقیقت در علوم باید پیمود. به طورکلی، در علوم اجتماعی تحقیق با استفاده از دو رویکرد اصلی انجام می‌گیرد: یکی رویکردهای کمی و دیگری رویکردهای کیفی. پژوهشگر در روش‌های کمی نسبت به روش‌های کیفی تماس چندانی با پژوهش شوندگان ندارد (بلیکی، ۳۱۳).

امروزه‌کاربست روش‌های تحقیق‌کیفی در علوم اجتماعی و رفتاری مقبولیت زیادی پیداکرده است. دلیل آن دشواریِ بررسی سوژه‌های انسانی از طریق روش‌های کمی و نتیجه‌دهی بهترکاربرد روش‌های کیفی به ویژه در زمینهٔ تحقیقات مربوط به مسائل ارزشی و اعتقادی است. از طرفی، امکان گردآوری اطلاعات در پاره‌ای از مسائل انسانی با استفاده از روش‌های کمی مقدور نیست به خصوص اگر هدف محقق از مطالعهٔ افراد، بررسی مسائل مربوط به فرهنگ، ارزش‌ها و باورها و اعتقادات آن‌ها باشد. علت این امر این است که اولاً منطقی نیست اطلاعاتی را که ماهیتاً کیفی هستند با آمار و ارقام جمع و تحلیل‌کرده و گردآوری اطلاعاتی از این دست نیاز به بررسی عمیق دارد و ثالثاً زمانی‌که بحث فرهنگ پیش می‌آید احتمال اینکه محقق با رعایت اصول روش‌های تحقیق کمی در پیش‌داوری‌های خود غرق شود و نتواند با ذهنیت جامعهٔ مورد مطالعه‌اش ارتباط برقرارکند، بسیار زیاد است. در نتیجه با توجه به این توضیحات، در این پژوهش تلاش بر این است که از روش تحقیق کیفی جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده می‌کنیم. اما در این‌جا باید اشاره کنیم‌که روش کیفی انواع مختلفی را شامل می‌شود، گراندد تئوری، تحلیل گفتمان، مردم نگاری، مطالعه موردی و. . . از انواع روشهای تحقیق کیفی هستند.

«پژوهشگران کیفی پدیده‌ها و فرآیندها را در محیط طبیعی خودشان مورد بررسی قرار می‌دهند و سعی دارند تا به آن‌ها از منظری‌که مردم به آن نگاه می‌کنند معنی دهند. این نگرش به عنوان رویکرد طبیعت‌گرایانه یا تفسیری شناخته شده است. به طورکلی قلمرو پژوهش‌های کیفی دنیای تجارب افراد و

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

واقعیتهای اجتماعی ساخته شده به دست آن‌هاست. به وسیله مصاحبه دقیق، مشاهده مشارکت کنندگان وتوصیف دقیق، پژوهش گران کیفی امیدوارند بتوانند به دیدگاه مشارکت‌کنندگان نزدیک شوند و به تجارب زیستهٔ آن‌ها دست یابند» (رنجبر و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۴۶). در این تحقیق از بین این انواع روش‌های کیفی به روش گراندد تئوری (نظریهٔ مبنایی) عمل شد که در زیر به طور خلاصه توضیح داده شده است.

۱-۱-۱-۳ نظریهٔ مبنایی[1]

در ترجمه‌های مختلفی که از آن به عمل آمده با اصطلاحات متفاوتی ترجمه شده است مثلاً محمدی آن را نظریهٔ مبنایی (۱۳۸۷: ۲۵)، فلیک آن را نظریه‌پردازی داده‌محور (۱۳۸۷: ۲۴)، دواس آن را نظریه زمینی (۱۳۸۸: ۲۱)، سفیری آن را نظریه بازکاوی (۱۳۸۸: ۲۸۹). . . نامیده‌اند. در زیر چند تعریف از گراند تئوری در نگاه محققان مختلف برای فهم بیشتر آن ارائه می‌شود. دواس معتقد است هر وقت ما کار تحقیق خود را با مشاهده و توصیف آغاز کنیم سپس نظریه‌ای دربارهٔ مشاهدات و توصیف‌های‌مان ارائه کنیم با فرایند نظریه‌پردازی (یعنی نظریهٔ مبنایی) در ارتباط هستیم (۱۳۸۸: ۲۱). محمدی (۱۳۸۷) نظریهٔ مبنایی را نظریه‌پردازی برمبنای داده‌هایی می‌داند که محقق از میدان تحقیق جمع‌آوری کرده است. از نظر او این روش دارای منشأ و ریشه‌ای جامعه شناختی است. از نظر او گردآوری اطلاعات در این روش از طریق مصاحبه با ۲۰ الی ۳۰ نفر حاصل می‌شود (۱۳۸۷: ۲۵).

هدفِ نهایی روش گراندد تئوری ارائه و تدوین نظریه است. در این تحقیق محقق از شیوهٔ استقرا استفاده می‌کند یعنی از جزء به سوی کل می‌رود. محقق از سطح مشاهده و تجربه (سطح جزء) کار خود را شروع می‌کند و هدف او رسیدن به سطح انتزاع و نظریه (سطح کلان) است. او در اینجا کار خود را با نظریه شروع نمی‌کند بلکه با شروع از مشاهده به نظریه‌پردازی می‌رسد یا به تعبیر فلیک بر اساس داده‌های گردآوری شده به ساختن نظریه می‌پردازیم (۱۳۸۷: ۲۴).

استراوس وکربین معتقدند که مراحل مختلف در نظریهٔ مبنایی از جمله گردآوری داده‌ها، تحلیل و نظریهٔ نهایی با هم دیگرارتباط نزدیک دارند. در اینجا محقق از میدان واقعیت شروع می‌کند و داده‌هایی را در بارهٔ موضوع خود گردآوری می‌کند و سپس از طریق این داده‌ها نظریهٔ خود را عنوان می‌کند. محقق در ابتدا نظریه‌ای در ذهن ندارد و اگر هم داشته باشد کار تحقیقی خود را با آن شروع نمی‌کند. از نظر آن‌ها نظریهٔ مبنایی « نظریه‌ای است که مستقیماً از داده‌هایی استخراج شده است که در جریان پژوهش به صورت منظم گردآمده و تحلیل شده‌اند» (۱۳۹۱: ۳۴). آن‌ها برای این نوع نظریه‌پردازی ویژگی‌هایی در نظر می‌گیرند: الف) توانایی تشخیص گرایش به سوگیری در خود، ب) توانایی تفکر انتزاعی، ج) توانایی منعطف بودن و پذیرش انتقاد مفید، د) حساسیت نسبت به کلام و اعمال پاسخگویان، د) توانایی گام نهادن به عقب و موقعیت را به صورت انتقادی تحلیل کردن، ر) مجذوب کار شدن و خلاصه (همان: ۲۹). آن‌ها

1. Grounded theory

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

گراندد تئوری را «کشف نظریه از داده‌های سیستماتیک که از تحقیقات اجتماعی به دست‌آمده» می‌دانند (**Glaser and Strauss1967: 2**). شورینک معتقداست«تئوری زمینه‌ای یک رویکرد استقرایی خاص متشکل ازمجموعه‌ای نظام‌مند توسعه‌یافته از روش‌ها و تکنیک‌هایی است که مفهوم نظری در مورد جهان زندگی برخی از گروه انتخاب‌شده از مردم که بخشی از یک واقعیت اجتماعی خاص را تشکیل می‌دهند، تولید می‌کند»(**Johann Burden and Gert Rodet** به نقل از ۲، ۲۰۰۴، **Schurink**).

چارماز[1](۲۰۰۶) تعدادی از ویژگی‌های که همهٔ نظریه‌های زمینه‌ای دارند را شناسایی کرد:

- جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌ها به طور همزمان
- ایجاد کدهای تحلیلی و موضوعی از داده‌ها و نه با مفاهیم از پیش موجود (حساسیت نظری)
- کشف فرآیندهای اساسی اجتماعی در داده‌ها
- ساخت و ساز قیاسی از مقولات انتزاعی
- نمونه‌گیری نظری برای اصلاح مجموعه‌ها
- نوشتن یادداشت تحلیلی به عنوان مرحله‌ای بین برنامه نویسی و نوشتن
- ادغام گروه‌ها به یک چارچوب نظری است.

ایمان و محمدیان (۱۳۸۷) کاربردهای متعددی را برای نظریهٔ زمینه‌ای در نظر می‌گیرد که در زیر به آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- اگر هدف، درک محیطی باشد که شناخت کمتری از آن وجود دارد یا درگذشته، چندان به وضوح بررسی نشده است، فرد علاقه‌مند به تحقیق در این زمینه، به شیوه‌های خاص تحقیقی برای مطالعهٔ آن موضوع نیاز دارد و استفاده از روش نظریهٔ بنیادی در این زمینه سودمند است.
- زمانی که محقق نمی‌داند دقیقاً، چه چیزی می‌خواهد یا در پی چیست، با استفاده از این روش می‌تواند به مسئلهٔ موجود در آن زمینه پی ببرد.
- اگر هدف از بررسی دست‌یابی به پیچیدگی‌های یک پدیده و درک آن، در زمینه‌های متعدد باشد، محقق به روشی از ساده کردن و مدیریت داده نیاز دارد، بدون آن که این پیچیدگی و زمینه دستکاری شود. استفاده از این روش در چنین مواردی مفید است.
- اگر هدف، در ک فرایند و شیوهٔ تجربهٔ افراد باشد و این که این افراد چگونه تجربه‌شان را تفسیر می‌کنند، محقق نیاز به شیوه‌هایی برای کشف و درک پیچیدگی آن‌ها دارد. روش‌های کیفی، به خصوص نظریهٔ بنیادی در پی کشف این پیچیدگی‌ها هستند(۳۶-۳۷).

کراسول[1](۱۹۹۸) پیشنهاد کرد که فرضیات زیر را باید در مورد پژوهش تئوری زمینه‌ای به اشتراک گذاشت:

---

1. Charmaz

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

هدف از انجام تحقیق تئوری زمینه‌ای تولید و یا کشف یک نظریه است؛ اگر پژوهشگر ایده‌های نظری را کنار بگذارد می‌تواند یک نظریه "اساسی" را به ظهور برساند؛ این نظریه بر چگونگی رابطه افراد با پدیدهٔ مورد مطالعه تمرکز دارد؛ تئوری رابطه محتمل بین مفاهیم و مجموعه‌ای از مقوله‌ها را تأیید می‌کند؛ این نظریه از طریق کار میدانی، مصاحبه، مشاهده، و اسناد به دست می‌آید؛ تجزیه و تحلیل داده‌های در آن سیستماتیک است و به زودی به عنوان داده‌های موجود تحلیل می‌شوند؛ تجزیه و تحلیل داده‌های حاصله با شناسایی مقوله‌ها و ارتباط آن‌ها شروع می‌شود؛ جمع آوری اطلاعات بیشتر (و یا نمونه برداری) بر مبنای مفاهیم درحال ظهور است؛ این مفاهیم از طریق مقایسه مداوم با داده‌های اضافی توسعه می‌یابند؛ جمع آوری داده‌ها را هنگامی‌که مفهوم جدید پدیدار شود می‌توان متوقف کرد؛ تجزیه و تحلیل داده‌ها را از طریق "کدگذاری باز" (شناسایی دسته‌ها، خواص، و ابعاد) به کدگذاری "محوری" (بررسی شرایط، استراتژی، و عواقب) سپس به کدگذاری انتخابی اطراف یک خط داستان در حال ظهور حرکت می‌دهیم؛ و تئوری نهایی را می‌توان در یک چارچوب روایت و یا به عنوان مجموعه‌ای از گزاره‌ها گزارش داد (**Egan, 2002,279**).

۲-۳ جامعهٔ آماری[۲]

جامعه به مجموعه‌ای از افراد یا واحدهایی که دارای حداقل یک ویژگی مشترک باشندگفته می‌شود. معمولاً در هر تحقیق، جامعه کلیه افراد یا مواردی را شامل می‌شود که پژوهشگر علاقه‌مند است و می‌خواهد نتایج تحقیق خود را به آن‌ها تعمیم دهد. در این تحقیق، جامعهٔ آماری شامل تمام اعضای هیأت علمی‌گروه‌های علوم اجتماعی که در دانشگاهای دولتی استان تهران مشغول به کار هستند، می‌باشد که با استفاده از روش گلوله برفی از تعدادی از آن‌ها مصاحبه به عمل آمد. در زیرگروه‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های دولتی استان تهران آورده شده است. اعضای هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران برابر با ۵۳ نفر، اعضای هیأت علمی دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی برابر با ۴۳ نفر، اعضای هیأت علمی‌گروه علوم اجتماعی دانشگاه الزهرا برابربا ۱۳ نفر، اعضای هیأت علمی‌گروه علوم اجتماعی دانشگاه خوارزمی برابر با ۱۳ نفر، اعضای هیأت علمی‌گروه علوم اجتماعی دانشگاه بهشتی برابر با ۸ نفر، اعضای هیأت علمی‌گروه علوم‌اجتماعی دانشگاه امام حسین(ع) برابر با ۸ نفر، اعضای هیأت علمی‌گروه علوم اجتماعی دانشگاه شاهد برابر با ۴ نفر، اعضای هیأت علمی‌گروه علوم اجتماعی دانشگاه تربیت مدرس برابر با ۴ نفر. ازکل ۱۴۶ نفر عضو هیأت علمی۳۴ نفر از آن‌ها زن و ۱۱۲ نفر مرد می‌باشد.

1. Creswell
2. Statistical society [2]. Research sample [3]. sampling method

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

۳-۳ نمونهٔ تحقیق[1]

تعداد افرادی مشخص که با استفاده از روش‌های نمونه‌گیری از جامعهٔ آماری انتخاب می‌شوند تا در مورد موضوع مورد بررسی از آن‌ها تحقیق و ارزیابی به عمل بیاید. در تحقیقاتی که دارای نمونهٔ تحقیق هستند هدف پژوهشگر از بررسی نمونه تعمیم نتایج به دست‌آمده به جامعهٔ آماری تحقیق است. در این تحقیق نمونهٔ آن تعدادی از اعضای هیأت علمی گروه‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های دولتی استان تهران است که به طور تصادفی جهت مصاحبه انتخاب می‌شوند.

۱-۳-۳ شیوه نمونه‌گیری[2] در روش گراندد تئوری

در این تحقیق شیوهٔ نمونه‌گیری بر اساس روش نمونه‌گیری نظری[3] یا « اشباع نظری»[4] است. در این روش برخلاف دیگر روش‌های نمونه‌گیری از جمله روش نمونه‌گیری طبقه‌ای، خوشه‌ای، تصادفی. . . که داده از قبل گردآوری می‌شوند، گردآوری داده‌ها طی فرایند تحقیق انجام می‌گیرد. بلیکی معتقد است در این روش« موارد تا جایی افزوده می‌شوند که دیگر بینش و بصیرتی افزوده نگردد؛ تا وقتی که پژوهشگر متوجه شود که دیگر چیز تازه‌ای کشف نمی‌شود» (بلیکی، ۱۳۸۴: ۲۶۸). نمونه‌گیری نظری یا اشباع[5] بیشتر در پژوهش‌های داده‌نگر انجام می‌گیرد. استراوس و گلیزر نمونه‌گیری نظری را این گونه تعریف کرده‌اند:

نمونه‌گیری نظری عبارت است از فرایند گردآوری داده‌ها برای نظریه‌پردازی که از این طریق تحلیل‌گر به طور همزمان داده‌هایش را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می‌کند و تصمیم می‌گیرد که چه داده‌هایی را در مرحله بعد گردآوری و آن‌ها را کجا پیدا کند، تا بدین وسیله نظریه اش را در حین شکل‌گیری تدوین کند. نظریهٔ درحال تدوین فرایند گردآوری داده‌ها را کنترل می‌کند (استراوس و گلیزر، ۱۹۶۷، به نقل از فلیک، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

استراوس و کربین نمونه‌گیری نظری را نوعی از شیوه‌های گردآوری داده‌ها می‌دانند که پژوهش‌گر آن را بر اساس «مفاهیم درحال تکوین» انجام می‌دهد. آن‌ها معتقدند در این نوع نمونه‌گیری که به روش انباشتی[6] انجام می‌گیرد، پژوهشگر شیوهٔ نمونه‌گیری خود را پیش از پژوهش مشخص نمی‌کند بلکه در فرایند پژوهش به آن شکل می‌دهد. به اعتقاد آن‌ها « هدف از نمونه‌گیری نظری به حد اکثر رساندن امکان مقایسهٔ رویدادها و موردهاست تا تعیین کنیم چگونه یک مقوله از لحاظ ویژگی‌ها و ابعادش تغییر می‌کند» (۱۳۹۱: ۲۱۹-۲۲۱).

در این نظریه نمونه‌ها (افراد، گروه‌ها، سازمآن‌ها، . . .) گام‌به‌گام براساس میزان نیاز برای نظریهٔ درحال شکل گیری جمع آوری می‌شوند. یعنی اطلاعاتی مورد قبول واقع می‌شوند که محقق تشخیص دهد در

---

1. Theoretical sampling 5. Theoretical saturation

۲. این نوع نمونه‌گیری توسط استراوس و گلیزر ارائه شد .

3. Cumulative.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

فرایند پژوهش به او کمک می‌کنند. در اینجا نمونه‌گیری زمانی به پایان می‌رسد که پژوهش‌گر به این نتیجه برسد که با گردآوری اطلاعات تازه چیز جدیدی به دست نمی‌آورد. استراوس و کربین معتقدند فرایند گردآوری داده‌ها تا زمانی ادامه پیدا می‌کنند که « الف: هیچ دادهٔ جدید یا مرتبط به یک مقوله به دست نیاید؛ ب) مقوله از لحاظ ویژگی‌ها و ابعاد به خوبی پرورش یافته باشد و گوناگونی‌های آن را به نمایش بگذارد؛ و ج) مناسبات میان مقوله‌ها به خوبی مشخص و اعتبارشان ثابت شده باشد» (همان، ۲۳۰). روش نمونه‌گیری نظری بیشتر در تحقیقاتی که به روش گردد تئوری انجام می‌شوند به کار برده می‌شود. در نتیجه در این تحقیق که به روش گرندد تئوری انجام گرفت از روش نمونه‌گیری نظری برای جمع آوری داده‌ها استفاده شده است.

۲-۳-۳ نمونه‌گیری: شیوهٔ انتخاب اطاع رسانه‌ها (مصاحبه‌شوندگان) در این پژوهش

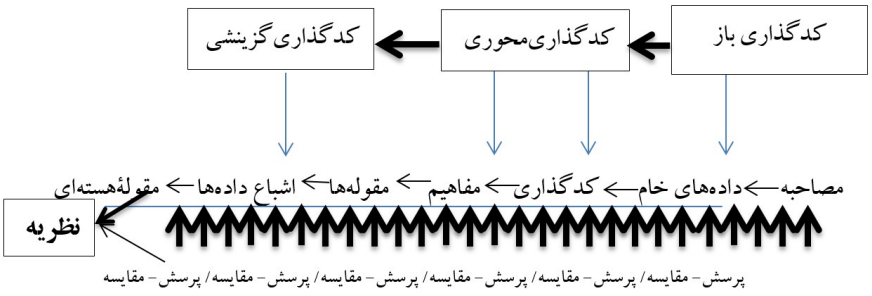
در این تحقیق از دو نوع روش نمونه‌گیری استفاده کردیم یک شیوهٔ نمونه‌گیری اشباع نظری و دیگری روش گلوله برفی است. روش نمونه‌گیری گلوله برفی جهت انتخاب مصاحبه‌شوندگان به کارگرفته شد و روش اشباع نظری برای تعیین حجم، کمیت و کیفیت داده‌های پژوهش به کار رفت. در زمینهٔ استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی که یکی دیگر از روش‌های تحقیق‌های کیفی است باید اشاره کنیم که با هرکدام از اساتید که مصاحبه می‌کردیم از آن‌ها سؤال می‌پرسیدیم که از نظرشان چه کسانی در زمینهٔ توسعهٔ اجتماعی می‌توانند به ما کمک کنند. در نتیجه از این طریق ما توانستیم برای افزودن بر غنا و اعتبار داده‌های تحقیق، از آن افرادی که از نظر مصاحبه‌شونده‌ها دارای تخصص و توانایی علمی‌هستند، مصاحبه به عمل بیاوریم. در روش اشباع نظری طی فرایند تحلیل داده‌ها وقتی اطلاعات به حد کافی رسیده‌اند و به این نتیجه می‌رسیدیم که دیگر چیز مفیدی به داده‌ها اضاف نمی‌شود از پرسیدن بعضی سؤال‌ها در مصاحبه‌های بعدی خودداری کردیم.

در هر روش تحقیقی که با مصاحبه و پرسشنامه سر وکار دارد جهت گردآوری داده‌ها اولین کار انتخاب کسانی که می‌خواهد با آن‌ها مصاحبه کند یا پرسش‌نامه به دست آن‌ها برساند. در اینجا اعضای هیأت علمی گروه‌های علوم اجتماعی دانشگاه‌های دولتی استان تهران اطلاع‌رسان‌ها یا مشارکت‌کنندگان بودند. لازم به ذکر است که در تئوری زمینه‌ای به کسانی که قرار است از آن‌ها اطلاعات به دست آورده شود «اطلاع‌رسان» یا «مشارکت کنندهٔ» می‌گویند (شهبازی: ۱۳۸۸: ۱۷). در ابتدا بعد ازتوضیح اجمالی دربارهٔ موضوع و هدف تحقیق برای اطلاع رسان‌ها برای شروع مصاحبه از یک سؤال نسبتاً باز آغازکردیم و در ادامه کم کم به سؤال‌های خرد رفتیم. در ابتدا چک لیست سؤال‌ها را آماده کردیم و بعد از پرسیدن پرسش از اطلاع رسان‌ها تلاش می‌کردیم که اگر توضیحات آن‌ها کافی نمی‌بود و اطلاعات لازم را دست نمی‌رسید به شیوهٔ دیگر سؤال را مطرح می‌کردیم. در بعضی مواقع توضیحات اطلاع‌رسان‌ها زمینه را برای سؤال‌کردن از صحبت‌های آن‌ها مهیا کرد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

گام بعدی این است که در نظر بگیریم از چه تکنینک‌هایی استفاده بکنیم. تکنیک مورد استفاده در اینجا مصاحبه است. در روش گراندد تئوری برای انتخاب اطلاع‌رسان‌ها می‌توان از روش نمونه‌گیری عمدی و انتخابی استفاده کرد. یعنی مصاحبه کنندهٔ می‌تواند به دلخواه خود از بین جامعهٔ آماری گزینه‌های مورد نظرش را که احساس می‌کند در جمع آوری اطلاعات به او کمک می‌کنند، را انتخاب کند. بر همین اساس در ابتدا اسامی تمام اطلاع‌رسان‌ها را بیرون کشیدیم سپس از بین آن‌ها کسانی را که در زمینهٔ توسعه تخصص داشته‌اند و یا در دانشگاه به تدریس در رشته‌های تخصصی توسعه مشغول بوده‌اند، انتخاب کردیم. یعنی در ابتدا اسامی‌تمام اعضای هیأت علمی‌گروه‌های علوم اجتماعی را لیست کردیم سپس با توجه به رشته‌های تدریس آن‌ها و یا تخصصی که دارند از بین آن‌ها گزینش کردیم. در بعضی دانشگاه‌ها هم که رشته و گرایش توسعه را نداشته‌اند ولی درس توسعه در آنجا تدریس می‌شد سعی کردیم با استاد مربوطه مصاحبه ترتیب دهیم. به طورکلی فرایند انجام کار از شروع تا پایان به صورت نمودار زیر انجام داده شد:

نمودار شمارهٔ ۳-۱ فرایند تدوین نظریه



٤-۳ تکنیک جمع‌آوری داده‌ها[1]

در روش نظریهٔ بنیادی منابع جمع‌آوری اطلاعات را می‌توان در دو دسته طبقه‌بندی کرد؛ منابع اولیه و منابع ثانویه. منابع اولیه شامل مصاحبه، مشاهدهٔ مشارکتی و غیر مشارکتی، ثبت مصاحبه‌ها از زمینهٔ مورد مطالعه و دفترچهٔ خاطرات است، منابع ثانویه تجارب شخصی، ادبیات موجود و مقایسهٔ آن‌ها را در بر می‌گیرد (استراوس و کربین، ۱۹۹۰، به نقل از ایمان و محمدیان). برای این که گردآوری داده‌ها را در روش اشباع نظری هدایت و هدفمند کنیم نیازمند پرسش‌های تحلیلی و انجام مقایسه هستیم(استراوس وکربین، ۱۳۹۰: ۲۲۱). در بحث گردآوری داده‌ها باید به چهار ملاک توجه داشت: الف) انتخاب مکان یا گروهٔ مورد مطالعه. ب) باید تعیین کنیم از چه نوع داده‌های می‌خواهیم استفاده بکنیم(مصاحبه، مشاهده، سرگذشت‌ها، . . .). ج) یک عرصه برای چه مدت باید تحت مطالعه باشد. د) اینکه چه تعداد مصاحبه یا

1. Technique data gathering

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

مشاهده داشته باشیم یا چند مکان را مورد بررسی قرار دهیم بستگی به وجود امکانات، دسترشی به مشارکت کنندگان، اهداف پژوهش، زمان‌بندی و انرژی پژوهشگر دارد (همان: ۲۲۳).

۱-٤-۳ تکنیک گردآوری داده‌ها در این پژوهش

در این پژوهش از تکنیک مصاحبه برای گردآوری داده‌ها استفاده شده است. دلیل انتخاب این تکنیک این است که در تحقیقاتی که به روش کیفی انجام می‌شوند تکنیک مصاحبه ژرف می‌تواند اطلاعات بیشتر، بهتر و مناست‌تری به دست دهد. امروزه عده‌ای از پژوهشگران مصاحبه را به عنوان روش اصلی گردآوری اطلاعات می‌دانند زیرا تنها با مصاحبه می‌توان به لایه‌های درونی یک پدیدهٔ اجتماعی دست یافت (شهبازی: ۱۳۸۸: ۱۲۴). روش جمع آوری داده‌ها از طریق مصاحبه پیچیدگی‌های خاص خود را دارد. علاوه بر این اگر کسانی که قرار است به آن‌ها مصاحبه بکنیم متخصصان باشند پیچیدگی و سنگینی کار دوچندان افزایش می‌یابد. فلیک بر این باور است که در آن دسته از مصاحبه‌هایی که با متخصصان ارائه داده می‌شود مصاحبه‌شونده‌ها نه به عنوان یک شخص بلکه به عنوان صاحب تخصص و نمایندهٔ یک گروه در یک حوزهٔ خاص به حساب می‌آیند. او همچنین دربارهٔ دامنهٔ اطلاعات به دست آمده در مصاحبه با متخصصان معتقد است که دامنهٔ اطلاعاتی آن‌ها محدودتر است (۱۳۹۰: ۱۸۳) زیرا این اطلاعات پراکنده نیستند و متخصص در حوزهٔ تخصص خود به ارائهٔ اطلاعات می‌پردازد. فلیک به سه نکته دربارهٔ مصاحبه با متخصصان اشاره دارد: مورد اول، مشکل هدایت کردن مصاحبه توسط مصاحبه‌گر است زیرا فرد مصاحبه‌شونده صاحب تخصص هست. دوم، مصاحبه‌گر باید نشان دهد که به موضوع مصاحبه آشنایی نسبی دارد. سوم، هدف این نوع مصاحبه مقایسه دانش متخصصان و تحلیل محتوای است (همان: ۱۸۴). ازآن جایی که گفتیم اساتید اطلاع رسان‌های ما بودند هماهنگ کردن مصاحبه‌ها، زمان انجام مصاحبه وگرفتن توافق جهت مصاحبه کاری بسیار سخت بود. زمان و رضایت انجام مصاحبه‌های این پروژه یا از طریق ایمیل(یک مورد)، یا تلفن (دو مورد) یا هم از طریق حضور در دفتر اساتید (۱۷ مورد) صورت گرفت. زمان مصاحبه از ۲۴ دقیقه تا ۱:۳۰دقیقه به طول انجامید. در اینجا لازم است بگوییم دکتر راغفر استاد گروه علوم اقتصادی دانشگاه الزهرا هستند اما از ایشان مصاحبه به عمل آمده است. از آن جایی که روش انتخاب مصاحبه‌شونده‌ها گلوله برفی بوده، وقتی از اطلاع رسان‌ها می‌خواستیم مشارکت کنندهٔ بعدی را معرفی کنند اکثر آن‌ها ازآقای دکتر راغفر به عنوان گزینهٔ بعد حرف می‌زدند چون آن‌ها راغفر را استادی با تخصص توسعه در ایران می‌شناختند. در نتیجه استثنائاً با ایشان هم مصاحبه ترتیب دادیم.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

۵-۳ اعتبار[1]

منظور از اعتبار آن است که آیا در طی فرایند تحقیق از مصاحبه و جمع‌آوری داده‌ها تا ارزیابی، تحلیل و نتیجه‌گیری همان کاری را که واقعاً دنبال آن هستیم را انجام می‌دهیم یا نه؟ پس اعتبار ترازوی سنجش دقت پروژه به حساب می‌آید. به عباراتی «آیا محققان همان چیزی را می‌بینند که تصور می‌کنند که می‌بینند یا خیر» (فلیک : ۱۳۹۰: ۴۱۴). در گراندد تئوری اعتبار به این معناست که آیا نظریه‌ای که محقق از داده‌های بیرون آورده است از داده‌های خودمان استخراج شده است یا اینکه ما طی تحلیل خود نتایج را به داده‌ها تحمیل کردیم. فرایند اعتبار درتحقیق کیفی را استراوس و کربین به این گونه شرح می‌دهند که نظریه‌ای که ما از داده‌ها بیرون کشیدیم « چیزی جز صورت انتزاعی داده‌های خام نیست. از این رو بسیار اهمیت دارد تعیین کنیم که این صورت انتزاعی تا چه حد با داده‌های خام جور در می‌آید؛ و نیز تعیین‌کنیم که آیاچیزی قابل توجهی بوده‌که در نظریه نیامده‌باشد؟» (۱۳۹: ۱۸۰).

در این تحقیق ما از دو نوع اعتبار درونی[2]و اعتبار بیرونی[3]جهت بالا بردن میزان دقت و اعتبار آن استفاده کردیم. اعتبار درونی در این پروژه به این سبک بود که آیا سؤال‌ها و پرسش‌های ما همان مفهوم توسعهٔ اجتماعی را که ما دنبال آن بودیم می‌سنجیدند یا خیر. آیا یافته‌های تحقیق شارح نظریه تولید شده و ایدهٔ مصاحبه‌شوندگان دربارهٔ موضوع تحقیق و واقعیت‌های موجود دربارهٔ توسعهٔ اجتماعی هست یا نه. اعتبار بیرونی در اینجا به این شیوه آزمون شد که ما سعی کردیم از طریق بررسی مهمترین گفتمان‌های توسعهٔ اجتماعی که در این باره مطرح شده‌اند به موضوع تحقیق اعتبار بالایی ببخشیم. هم چنین ما برای این هدف به بررسی پیشینهٔ عملی توسعهٔ اجتماعی پرداختیم. بر همین اساس به بعضی از پایان‌نامه‌ها و مقاله‌هایی که در زمینه توسعهٔ اجتماعی و شاخص های آن نوشته شده‌اند، رجوع کردیم.

بحث و نتیجه‌گیری

در سده‌های اخیر برنامه‌ریزان، کارشناسان و متصدیان توسعه در ایران در ابعاد مختلف سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی برای فراهم کردن زمینهٔ توسعه و توسعهٔ اجتماعی درکشور با چالش‌های متعددی روبه رو بوده‌اند. به طوری که در مواجهه با هر یک ازگفتمان‌های توسعه-گفتمان نوسازی، گفتمان وابستگی، گفتمان اقتصادی، گفتمان تکاملی، گفتمان مارکسیستی، گفتمان نظم جهانی- دیدگاه‌های مخالف و موافق گوناگونی وجود داشته است. در این تحقیق هدف براین بود که با درنظرگرفتن دیدگاه علمی اعضای هیأت علمی‌گروه‌های علوم اجتماعی‌نسبت به بکارگیری‌گفتمان‌های مختلف مطرح‌شده در دستگاه فکری و علمی‌متصدیان امرتوسعهٔ اجتماعی نظر آن‌ها را نسبت به موفق/ناموفق بودن این گفتمان‌ها جویا شده و از

1. Validity.
2. Internal validity.
3. External validity.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

این طریق ضمن شناسایی موانع و محدودیتها بتوانیم از راهکارها و پیشنهادهای آن‌ها درآینده توسعهٔ اجتماعی استفاده‌کنیم.

امروزه رابطهٔ بین سطح توسعه یافتگی هر کشور و رفاه، آسایش، رضایت اجتماعی، سلامت روحی و روانی و احساس کامیابی شهروندان آن بر هیچ کس پوشیده نیست و همهٔ صاحب نظران توسعه بر این ایده توفق نظر دارند. از دهه‌های قبل صحبت توسعهٔ اجتماعی در محافل سیاسی و علمی ایران زیاد به گوش می‌رسید اما به توفیق آنچنانی نرسیدیم. عامل نرسیدن به توسعهٔ اجتماعی در ایران با فاکتورهای اجتماعی و فرهنگی متعددی در ارتباط است.

در این نوشتار تلاش کردیم که گفتمان توسعهٔ اجتماعی از نظر صاحب نظران علوم اجتماعی بررسی کنیم. از آنجایی‌که توسعهٔ اجتماعی با باورها و رفتارهای انسان‌ها سر کار دارد بسیار پیچیده و گسترده است. بعد از انقلاب صنعتی که کشورهای اروپایی توانسته‌اند در نتیجهٔ انقلاب علمی‌در حوزه‌های اجتماعی و اقتصادی تغییر و تحولات گسترده‌ای ایجادکنند دیگرکشورها هم به واسطهٔ ارتباط تجاری یا به واسطهٔ حضور استعمارگران در جامعهٔ آن‌ها نسبت به پیشرفت و ترقی تمایل پیدا کرده‌اند. بنابراین آن‌ها شروع به ایجاد نوسازی در جامعه کردند. این نوسازی از حوزهٔ اقتصادی و اجتماعی شروع شد. از جمله جوامعی که در این فرایند قرار گرفته ایران است. نزدیک به یک و نیم سده است که این شرایط بر ایران حاکم است. اگر چه جامعهٔ نسبت به آن موقع در معرض تغییر و تحولات زیادی در همهٔ حوزه‌ها قرار گرفت اما باید اذعان کرد تا رسیدن به توسعه یافتگی اجتماعی فاصله بسیار داریم. به تعبیر جمشیدی‌ها « امروزه ظاهر دنیا عوض شده ولی باطن آن ثابت مانده است. باطن دنیا ظلم، بی‌عدالتی، فساد، فقر، تبعیض علیه زنان، لشکرکشی بدون مجوز قانونی علیه جوامع. . . است که مثل قبل پابرجا است. اینها در دنیا قدیم وجود داشته‌اند الان در دنیای جدید هم وجود دارند. صورت دنیا شیک شده ولی محتوا و ذات دنیا عوض نشده است».

در این نوشتار برای جمع آوری اطلاعات از تکنیک مصاحبه استفاده کردیم. در تحقیقاتی که با گراندد تئوری انجام می‌گیرند معمولا از روش نمونه‌گیری اشباع نظری استفاده می‌کنند. در این جا بعد از انجام هر مصاحبه آن را به صورت متن پیاده کرد سپس کدگذاری آن را انجام می‌گرفت. در ابتدا کداگذاری خرد و خط به خط انجام گرفت که با ۱۱۳۱ داده خام پایان یافت. از طریق دو رویه پرسش کردن و مقایسه کردن داده‌ها ۵۲۸ مفهوم را کدگذاری شدند که بدیهی است کار با این‌اندازه مفهوم بسیار زمان بر است. در نتیجه با مقایسه و پرسش مجدد تعداد مقوله‌های انتزاعی ما به ۵۴ رسید که آن‌ها را در ۸ مدل پارادایمی و یک مقوله مرکزی بررسی و ارزیابی‌شده‌اند. هشت مدل پارادیمی‌عبارت‌انداز سنت‌گریزی، بی‌برنامه‌گی و بلاتکلیفی، بدبینی و بی خیالی مردم، طرداجتماعی و محروم سازی، توسعه نیافتگی فرهنگی، فقدان مشارکت اجتماعی، توسعهٔ نامتوازن و توسعهٔ نیازمحور. مقولهٔ مرکزی که در این تحقیق به آن از داده‌ها بیرون آمد پدیدهٔ « توسعهٔ اجتماعی» است. به دو دلیل‌این پدیده به عنوان پدیدهٔ هسته‌ای انتخاب شد. یکی به

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

دلیل تاکید فراوان همه مصاحبه‌شوندگان به اعتبار و اهمیت آن و دیگری بخاطر این که‌این مفهوم موضوع تحقیق حاضر بود. بعد از ترسیم مدل پارادایمی‌هر مقولهٔ انتزاعی شرایط علّی و شرایط مداخله گر آن با توجه به زمینه و بستر آن بررسی و ارزیابی شده‌اند. سپس راهبردهایی آن پدیده و پیامدهای احتمالی‌این راهبردها آورده شدند.

شرایط علّی‌ای که بر مقولهٔ هسته‌ای یعنی توسعهٔ اجتماعی تأثیرگذار بودند عبارت‌اند از: *پذیرش اجتماعی* یعنی پذیرفتن همهٔ گروه‌ها و کنشگران به عنوان شهروند فارغ از جنس، رنگ، نژاد و زبان آن‌ها)، *توانمندسازی* یعنی قدرت دادن و توانمندکردن مردم به طوری که هرکسی بتواند نیازهای اولیه‌اش را خودش برطرف کند، *عدالت اجتماعی* یعنی تقسیم عادلانه و منصفانهٔ شرایط، فرصت‌ها، امکانات و منابع بین همهٔ شهروندان جامعه بدون پیش داوری و پیش فرض، *عدالت جنسیتی* یعنی وضعیتی که درآن بین زنان ومردان در زمینه دستیابی به مشاغل و فرصت‌ها و برخورداری از منابع و امکانات بواسطهٔ جنسیت‌آن‌ها تفاوتی قائل‌نشویم، *جامعهٔ مدنی* یعنی حضور نهادها و تشکل داوطلبانهٔ مستقل در جامعه که در کنار دولت و مردم وظیفهٔ توسعهٔ اجتماعی را برعهده دارند، *نظم اجتماعی* یعنی حالتی از جامعه که درآن قانون و اقتدار اخلاقی هماهنگ کنندهٔ روابط اجتماعی در جامعه باشد نه نظم سیاسی از بالا، *امنیت و اعتماد* یعنی شرایطی که کنشگران اجتماعی با فراغ بال و با اظمینان خاطر در آن دست به انتخاب می‌زنند و هیچ مورد خارجی بجز قانون انتخاب آن‌ها را به خطر نمی‌اندازد و *نگاه دانش بنیاد* یعنی حضور پر رنگ دانش و شناخت علمی در فعل و انفعالات اجتماعی و تعاملات انسانی.

شرایط مداخله گر پدیدهٔ مرکزی ما عبارت‌اند از : *تعامل باخارج* یعنی صادرات و واردات با بقیهٔ کشورها و جوامع در راستای پیشرفت و تعالی جامعه، *رسانه‌های خصوصی* یعنی حالتی که در آن گروه‌ها، اقوام و احزاب مختلف جامعه دارای رسانه‌های صوتی و تصویری مختلف جهت بیان مطالبات و خواسته‌های خود هستند)، *توسعهٔ پلکانی* یعنی وضعیتی که در آن برای توسعهٔ جامعه، مسائل و مشکلات اجتماعی را به تدریج و مرحله به مرحله از سر راه برداریم تا به توسعهٔ اجتماعی برسیم، *دولت کوچک و هوشمند* در مقابل دولت بزرگ قرار می‌گیرد. یعنی حالتی که در آن دولت بخشی از وظایف و اختیاراتش را به نهادهای غیردولتی و جامعهٔ مدنی واگذار می‌کند و *عزم ملی* یعنی وضعیتی که درآن تمام افراد، کنشگران، گروه‌ها، اقوام و اقلیت‌ها در اهداف و آرمان‌های مشترکی سهیم باشند و به این نتیجه برسند که از طریق همبستگی و انسجام با هم دیگر می‌توانند راحت‌تر و بهتر بر مسائل و مشکلات پیروز شوند.

راهبردهای که در این تحقیق برای توسعهٔ اجتماعی در نظر گرفتیم عبارت‌اند از : گسترش رقابت رسانه‌ای یعنی حالتی که در آن رسانه‌های مختلفی در جامعه وجود دارند، و این رسانه‌ها دارای استقلال هستند و می‌توانند بدون اجبار در زمینهٔ مسائل مختلف به اظهار و نظر بپردازند و این رسانه‌ها با هم رقابت دارند، نگاه کلان و ملی یعنی حالتی که ما در تبعیض‌ها و پیش‌داوری‌های جانبدارانهٔ قومی، زبانی و محلی قرار نمی‌گیریم و در وهلهٔ اول نگاه ملی به مسائل و امکانات جامعه داریم، توسعهٔ نیازمحور یعنی شرایطی که به

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

کنشگران، اقوام، مناطق و بخش‌های جامعه بر اساس نیازها و ظرفیت‌هایی که دارند نگاه می‌شود، توسعه فراگیرو جامعه در مقابل تقلیل‌گرایی توسعه قرار می‌گیرد یعنی پرهیز از یک جانبه نگری و تقلیل توسعه به یکی از ابعاد آن و در نظر گرفتن همهٔ پتانسیل‌های موجود برای حصول توسعهٔ اجتماعی و مدیریت منابع یعنی حالتی که منابع، امکانات و داشته‌های یک جامعه به شیوه‌های مناسب مدیریت شوند تا از افراط و تفریط در مصرف آن‌ها جلوگیری شود.

گفتمان‌های توسعه را از منظر خاستگاهی به سه دسته می‌توان تقسیم کرد: (۱) رویکردهایی که از مکاشفه‌های تاریخی_ فلسفی و استدلال‌های نظری سرچشمه می‌گیرند؛ (۲) رویکردهایی که از باورهای ایدئولوژیکی تاثیر پذیرفته اند؛ (۳) و رویکردهایی که از تجربه زیستهٔ صاحب نظران مایه می‌گیرند. ذخیرهٔ اصلی دانش توسعه مرکب از گفتمان‌های دستهٔ اول است که از تأملات نظری و نگرش‌های خلاقانهٔ دانشوران و صاحب‌نظران به فلسفهٔ پیشرفت و استدلال‌های نظری در این زمینه ساخته شده‌اند. در این گفتمان‌ها که مثلادیدگاه نوسازی رامی‌توان الگوی نمونه‌ای آن تلقی‌کرد، دلبستگی به آرمان‌های روشنگری و تعلق خاطر به مدرنیته زمینهٔ اصلی و تعیین‌کننده است. در حالی که در گفتمان‌های ایدئولوژیکی یا برآمده از تجربهٔ زیستهٔ رویکردهای انتقادی و آرمان‌شهری یا رویکردهای نشأت گرفته از آزمون و خطا برجستگی دارند.

ارزیابی گفتمان‌های توسعه اجتماعی در دیدگاه‌های اعضای هیأت علمی در چارچوب داده‌های این تحقیق بازگوی آن است که گفتمان‌های این استادان بیشتر در حوزهٔ دسته دوم و سوم قرار می‌گیرند. این گفتمان‌ها یا بازنمای باور ایدئولوژیکی اند و یا از رویکردهای آرمان‌شهری مبتنی بر تعادل وضع موجود یا جمعبندی‌های متکی به تجربهٔ زیسته الهام می‌گیرند. به سخن دیگر میان عناصر اصلی موجود در دیدگاه‌های این مدرسان دانشگاهی و ذخیرهٔ دانش توسعه دادوستد و رابطهٔ ارگانیکی قابل احرازی وجود ندارد. با این حال از آنجا که اغلب این دیدگاه‌ها از تجربهٔ زیسته الهام پذیرفته‌اند، در تبیین شرایط علّی و مداخله‌گر و نیز تعیین راهبردها بالنسبه قوی و قابل تأمل به نظر می‌آیند.

تحلیل و ارزیابی‌های دیدگاه مصاحبه شوندگان بیانگر آن است‌که جامعهٔ ایران هنوز نتوانسته سطوح قابل قبولی از توسعهٔ اجتماعی را پیاده کند و موانع توسعهٔ احتماعی در کشور پر رنگ تر و تاثیرگذار تر از عوامل توسعه‌اند. موانعی مانند فقدان جامعهٔ مدنی، فقدان مشارکت اجتماعی، فقدان احزاب مستقل، پایین بودن سطح امنیت و اعتماد در جامعه، حضور پر رنگ دولت در همهٔ عرصه ها، توسعه نیافتگی فرهنگی، تقابل بین سنت و نوگرایی، فاصله بین شهر و روستا، توجه نامساوی به اقوام و اقشار، نابرابری‌های اجتماعی و خویشاوندی‌نگری از جمله موانعی هستند که از داده‌ها بیرون کشیده شده‌اند. این موانع به مثابه سدی محکم در مقابل توسعهٔ اجتماعی عمل می‌کنند. لازمهٔ رسیدن به توسعهٔ اجتماعی برداشتن این موانع و کم‌کردن درجهٔ تاثیرگذاری آنها است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

تحلیل دیدگاه‌ها مبین آن است که برای رسیدن به توسعه باید بین ابعاد آن از اجتماعی گرفته تا سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رابطه و پیوند وجود داشته باشد. توسعه هنگامی محقق می‌گردد که بتوان در همهٔ مراحل توسعه با توجه به شرایط و اولویت‌های جامعه نگاه همه جانبه داشت. تجربه چند دههٔ اخیر در کشور نشان می‌دهد که یکی از موانع اصلی توسعه آن است که نگاه جامع و فراگیری نسبت به توسعه وجود نداشته است و در هر دوره‌ای به یکی از ابعاد توسعه بیشتر توجه شده است. یافته دیگر این است که عدم توجه به حوزهٔ اجتماعی در برنامه‌های توسعه‌ای و در نگاه کارگزاران مربوط عاملی مهم و تاثیرگذار در نرسیدن به توسعهٔ اجتماعی است. عدم توجه کافی به حوزهٔ اجتماعی و بستر فرهنگی جامعه باعث شکست اکثر برنامه‌ها و به نتیجه نرسیدن آنها شده است در حالی‌که رسیدن به توسعهٔ اجتماعی نیازمند توجه جدی به بافت فرهنگی و اجتماعی جامعه است زیرا این نوع توسعه فقط در ارتباط با نیازها، آداب و رسوم و ساختارها و نیز روابط و مناسبات اجتماعی جامعه امکان پذیر است.

داده‌های تحقیق نشان می‌دهند که در دو دههٔ اخیر در کشور در زمینه توسعهٔ احتماعی برنامه‌ها و چشم اندازهای متنوعی در نظر گرفته شد. در هر سه دورهٔ ریاست جمهوری سال‌های پس از جنگ مدل‌های مختلفی انتخاب شده‌اند. بنابراین در هر دوره نگاه متفاوتی به توسعهٔ اجتماعی شده است. در ابتدا به علت مبارزه با مشکلات به وجود آمده در اثر جنگ مسئولان و برنامه‌ریزان بیشتر درگیر مبارزه با فقر و کاستی‌های ناشی از جنگ بودند. در دورهٔ سازندگی بخش کثیری از سرمایه‌ها و هزینه‌ها در زمینه‌های ساختاری، اجرای پروژه‌ها و زیرساخت‌های بزرگ مقیاس صرف شد و در نتیجه حوزه‌های فرهنگی و اجتماعی به ناگزیر چندان مورد توجه قرار نگرفتند. در این دوره برنامه‌های توسعه تحت تاثیر فشارهای صندوق بین‌المللی پول به سمت برنامه‌های تعدیل ساختاری رفتند. ایمانی جاجرمی می‌گوید « در دوره‌هاشمی از نظر من‌اندیشه‌های دیدگاه نوسازی قرار داشته‌اند یعنی ساخت پروژه‌ها از طرف دولت با سرمایه‌های دولتی برای مردم. در اینجا مردم هیچ‌کاره و کاملاً منفعل هستند و هیچ نقشی در تحرک پروژه‌ها، اجرا و نظارت بر آن‌ها ندارند و همچنین بر بهره‌برداری از آن‌ها». اما مدل بکاربسته شده نتوانست چندان مفید افتد زیرا چند سالی بیش نگذشت که شرایط اجتماعی در کشور وخیم تر شد و مشکلاتی برای انسجام و نظم اجتماعی به وجود آمد.

در دورهٔ اصلاحات شرایط تا اندازه‌ای تغییر کرد و سمت‌وسوی توسعه از توجه صرف به امور اقتصادی به توجه بیشتر به بعد سیاسی تغییر جهت داد گوآن‌که تا اندازه‌ای ابعاد اجتماعی و فرهنگی توسعه نیز مورد توجه قرار گرفت اما این توجه آنقدر تاثیرگذار و کارساز نبود که بتوان تأثیر آن را مشاهده کرد. در این دوره هیچ کدام از گفتمان‌های مورد استفاده قرار نگرفت. البته فضای سیاسی نسبتا مثبتی‌ایجاد شد و پاسخ‌گویی بیشتری به نیازها و مسائل مردم می‌شد دلیل آن « بازشدن‌اندک فضای سیاسی و حضور مطبوعات است که تاحدودی می‌توانند مسائل را منعکس کنند ». در دوره نهم و دهم ریاست جمهوری وضعیت نسبتا متفاوتی در قیاس با گذشته حاکم شد. در این دوره‌ها همهٔ گفتمان‌های توسعه تقریباً به حاشیه

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

رانده شدند و تلاش شد که از مدل‌ها و ظرفیت‌های بومی جهت برنامه‌ریزی توسعه استفاده شود. شاید بتوان گفت که در این دوره کشور با نوعی عقب‌گرد توسعه ای و پس رفت فرهنگی روبرو شد. « می‌شود گفت در دورهٔ احمدی نژاد مفاهیم رایج و مصطلح توسعه نادیده انگاشته شد و در واقع خود مفهوم توسعه را مورد چالش و ابهام قرار دادن ». نگاه نامتوازن به توسعه در این دوره با شدت بیشتری وجود داشت و توجه بیشتر معطوف به نگرش‌های آرمان شهری در حوزهٔ اقتصاد بود.

تحلیل دیدگاه‌های اطلاع‌رسان‌ها در این تحقیق بازگوی آن است که در دوران اول موسوم به سازندگی و در دوران دوم موسوم به اصلاحات کم و بیش از گفتمان‌های شناخته شده و جهانی توسعه استفاده شد ولی در دورهٔ سوم که سیاست‌های پوپولیستی به اصطلاح عدالت محور دنبال می شد از گفتمان‌های توسعه استفاده نشد و بیشتر کوشش‌ها معطوف به آن بود که فرایند توسعهٔ اجتماعی با تکیه بر مدل‌های بومی پیش برده شود. الگوی ایرانی- اسلامی پیشرفت که در دورهٔ دهم ریاست جمهوری مطرح‌شده شاید نتیجه چالش‌ها و کنکاش‌های فکری ای باشد که در این دو دهه در حوزهٔ سیاسی و دانشگاهی مطرح بوده است.

اعضای هیأت علمی مورد مصاحبه از بین گفتمان‌های توسعه و توسعهٔ اجتماعی بیشتر به گفتمان‌های توسعهٔ پایدار، توسعهٔ انسانی و توسعهٔ مشارکتی توجه و تمایل نشان دادند. دلیل این تمایل شاید آن است‌که از نظر آنها این نحله‌های فکری بیشتر به حوزهٔ انسانی و اجتماعی توجه دارند و مردم را هدف و عامل توسعه در نظر می‌گیرند و با شرایط کنونی جامعهٔ ایران نیز سازگاری بیشتری دارند. اطلاع‌رسان‌ها همچنین شاخص‌های متعددی را برای توسعه اجتماعی در نظرگرفتند و از نظر آنها باتوجه به شرایط کنونی کشور این شاخص‌ها باید در اولویت قرار گیرند. اهم این شاخص ها از این قرارند: توانمندسازی آموزشی، افزایش آگاهی اجتماعی، افزایش امکانات و تسهیلات بهداشتی و رفاهی، رفع تبعیض‌های قومی و دینی و زبانی و جنسی، توجه به همهٔ قشرها به خصوص زنان و جوانان، گسترش تعاملات فرهنگی، افزایش رضایت اجتماعی، افزایش امنیت و اعتماد، توجه به روستاها و محیط‌های کوچک و توجه به محیط زیست وحفظ آن.

مهمترین شاخص‌های لازمهٔ توسعهٔ اجتماعی از نظر اطلاع‌رسان‌ها این دو عامل بودند: (۱) بازاندیشی در زمینهٔ نقش دولت در توسعه اجتماعی و (۲) تقویت جامعهٔ مدنی. اساتید معتقد بودند که دولت در کشور متولی همهٔ برنامه‌ها، پروژه‌ها و تصمیم گیری‌هاست. اما برای دستیابی به توسعهٔ اجتماعی باید در زمینه حضور دولت در فرایند توسعه تجدیدنظر شود و دولت باید نقش خودش را در این حیطه باز تعریف کند و اگر دولت کوچک‌تر شود قطعاً بهتر می‌تواند نقش مفید تری را در فرایند توسعهٔ اجتماعی ایفا کند. همچنین در ارتباط با عامل دوم یعنی ایجاد جامعهٔ مدنی و تقویت سازمان‌های غیر دولتی و سمن‌ها، اگر قرار بر این باشد که دولت کوچک‌تر شود حتماً باید نهادهای مدنی فعال تر شوند تا از این طریق دولت بتواند بخشی از وظایف خود را به صورت تدریجی به این قبیل نهادها انتقال دهد. از این طریق می‌توان به سایر شاخص‌های اجتماعی نیز دست یافت؛ از جمله آن که مشارکت اجتماعی بالا می‌رود، اعتماد ارتقاء

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

می‌یابد، شکاف بین دولت و مردم کاهش می‌یابد و. . . . از منظر اعضای هیأت علمی برای نیل به توسعهٔ اجتماعی باید بتوان به شیوه‌ای برنامه‌ریزی کرد که هم از تجربیات مدرن و هم از سنت‌ها و ظرفیت‌های تاریخی موجود استفاده شود. این صاحب نظران معتقدند که توجه صرف به یک حوزه نمی‌تواند کارساز باشد و کشور را به توسعه و بویژه توسعه اجتماعی برساند. آن‌ها لازمهٔ ایجاد الگویی که بتواند سازگاری بین تجربیات کشورهای توسعه یافته و پتانسیل‌های درونی برای توسعه را فراهم کند، را گوشزد کردند.

نتیجه پایانی این تحقیق ارائهٔ چند مورد از مهمترین پیامدهای توسعهٔ اجتماعی در کشور است که در این تحقیق به آن‌ها دست یافته شد:

ـ مشارکت آحاد جامعه و شهروندان قطع نظر از تعلقات قومی و علایق اعتقادی‌شان امکان می‌یابد.

ـ بحران‌های هویتی و فرهنگی، تعارض میان سنت و مدرنیته و شکاف‌های اجتماعی نسلی از بین می‌روند.

ـ تبعیض‌های قومی، زبانی، جنسی و دینی و نابرابری‌های اجتماعی و آسیب‌ها و مسائلی که به واسطهٔ آن‌ها به وجود می‌آیند کم می‌شوند.

ـ احساس آزادی، امنیت، رفاه و آسایش و تعلق اجتماعی در بین مردم به وجود می‌آید.

ـ احساس تعلق و افتخار به مملکت خود در بین شهروندان اقوام بالا می‌رود.

ـ تنش زدایی از روابط و تعاملات گروه‌های اجتماعی و اتخاذ سیاست‌های اصولی و متناسب جهت حل و فصل این تنش‌ها و تعارضات.

ـ ساختار مدیریت سیاسی اصلاح می‌گردد و توانایی هدایت، نظارت و مدیریت شایسته به وجود می‌آید.

ـ زمینه تحقق نظام شایسته سالار و جامعهٔ دموکراتیک فراهم می‌شود.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]

فهرست منابع و مآخذ

1. Singh, P. (2011). "We-ness and Welfare: A longitudinal analysis of social development in Kerala, India. " World Development 39(2): 282-293.
2. Connell, C. M. and R. J. Prinz (2002). "The impact of childcare and parent–child interactions on school readiness and social skills development for low-income African American children. " Journal of school psychology 40(2): 177-193.
3. Yousefi, F. (2012). "A Study of Causal Relationship between Social and Emotional Learning and School Success in Iranian's Adolescents based on Zins's Model of Social-Emotional Learning. " Shiraz University, Studies in Learning & Instruction, Vol. 3, No. 2, , Ser. 61/2.
4. Hosseinabadi, M. , M. Poortaheri, et al. (2012). "A Survey on Role of Small Towns in Rural Economic-Social Development (Case Study: Ghir-karzin region). " URBAN-REGIONAL STUDIES AND RESEARCH (UNIVERSITY OF ISFAHAN).
5. Mohammad Pour, N. M. and M. Saadati. (2010). "Explanation of Influential Factors in Citizen's Social Participation (research at socio-psychological level). " 1. Journal of Applied Sociology, 21th year, Vol 39 , PP 33-48, No3, Autumn.
6. Karakosta, C. and D. Askounis (2010). "Developing countries' energy needs and priorities under a sustainable development perspective: A linguistic decision support approach. " Energy for Sustainable Development 14(4): 330-338.
7. SH, M. L. , M. Rezvani, et al. (2011). "Role of Local Periodic Markets in Economic and Social Development of Villages of Guilan Province. " Geographical Landscape (Human studies) Year6, No: 15,(27-30).
8. Carmignani, F. and D. Avom (2010). "The social development effects of primary commodity export dependence. " Ecological Economics 70(2): 317-330.
9. Quane, J. M. and B. H. Rankin (2006). "Does it pay to participate? Neighborhood-based organizations and the social development of urban adolescents. " Children and Youth Services Review 28(10): 1229-1250.
10. Charmaz, K. (2006). Constructing grounded theory: A practical guide through qualitative analysis, Pine Forge Press.
11. Glaser, B. G. and A. L. Strauss (1967). The discovery of grounded theory: Strategies for qualitative research, Transaction Books.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-10-31]